

## Lack of Rational Reasoning in Normalizing the International Rules

*Alireza Ebrahimi*<sup>-</sup>

Assistant Professor, Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran

(Received: July 6, 2019; Accepted: March 3, 2020)

### Abstract

The true resources of law stem from culture, religion, race, language, and human civilization. However, formal resources only pass the legislative process. In domestic law of countries, because there is only one governance, the law resources are regulated according to the conditions of each society. But in international law, we are faced with different governments and rulers. This research aims to determine the capacity of "Islamic Jurisprudence" to meet the "common legal resources" of the countries. The method used in this research is a descriptive-analytical method. The studies show that in the meantime of establishing formal resources of the international law, according to the article 38 of the statute of International Court of Justice, only the international treaties, international custom, general principles of law, international judicial procedure, doctrine, and justice have been considered. And the rational reasoning and independent intellectual rules have not been addressed. It is concluded from the results of the research that achieving international peace and security requires that the countries have proper interaction with each other. One of the most important contexts to meet this interaction is the "Theory of independent intellectual rules" and considering the role of wisdom in establishing international legal rules.

**Keywords:** Independent Intellectual Rules, International Law Resources, International Treaties, International Custom, International Judicial Procedure.

---

<sup>-</sup> Corresponding Author, Email: Ali110qom@yahoo.com

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰  
صفحات ۶۰۹-۵۸۹ (مقاله پژوهشی)

## فقدان دلیل عقل در فرایند هنجارسازی قواعد بین‌المللی

علیرضا ابراهیمی\*

استادیار دانشکده الهیات دانشگاه قم، قم، ایران  
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۳)

### چکیده

منابع واقعی حقوق، ریشه در فرهنگ، دین، مذهب، نژاد، زبان و تمدن بشری دارد. اما منابع صوری تنها فرایند قانونگذاری را طی می‌کنند. در حقوق داخلی کشورها، به دلیل اینکه یک حاکمیت وجود دارد، منابع حقوق متناسب با شرایط هر جامعه تنظیم می‌شود؛ اما در حقوق بین‌الملل با دولت‌ها و حاکمیت‌های گوناگون روبه‌رو هستیم. هدف از این تحقیق، تبیین ظرفیت فقه اسلامی در مسیر تحقق منابع مشترک حقوقی کشورهاست. روش تحقیق، تحلیلی-توصیفی است. با بررسی به عمل آمده مشخص شد که در زمان تنظیم منابع صوری حقوق بین‌الملل طبق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به معاهدات بین‌المللی، عرف بین‌المللی، اصول کلی حقوق، رویه قضایی بین‌المللی، دکترین و عدالت، بسنده شده و به دلیل عقلی و مستقلات عقلیه اشاره نشده است. نتیجه تحقیق آن است که برای تحقق صلح و امنیت بین‌المللی لازم است کشورها با یکدیگر تعامل داشته باشند. از مهم‌ترین بسترهای تحقق این تعامل «قضایای مستقلات عقلیه» و توجه به نقش عقل در تکوین قواعد حقوق بین‌الملل است.

### واژگان کلیدی

رویه قضایی بین‌المللی، عرف بین‌المللی، مستقلات عقلیه، منابع حقوق بین‌الملل، معاهدات بین‌المللی.

## ۱. مقدمه

منابع واقعی حقوق به ریشه‌ها و مبانی اجتماعی تشکیل قواعد حقوقی اطلاق می‌شود. در گذشته حقوق و قواعد حقوقی بر پایه‌های اجتماعی که از فرهنگ، شرایط اقلیمی، ادیان و مذاهب و عناصر سازنده تمدن بشری، گرفته می‌شدند، استوار بود (فلسفی، ۱۳۸۳: ۱۳). در حقوق اسلام منابع و مستندات اجتهاد فقهی (مظفر، ۱۳۹۵، ج ۲: ۵۵) و در نظام حقوقی رومی - ژرمنی، قانون و در نظام حقوقی کامن‌لا، عرف و رویه قضایی به‌عنوان پایه‌ها و ریشه‌های قواعد حقوقی شناخته می‌شوند (صفایی، ۱۳۷۳: ۶۷)؛ این ریشه‌ها منابع واقعی حقوق را تشکیل می‌دهند.

اما در دوران معاصر، ضرورت هماهنگ‌سازی قواعد و آگاهی عموم جامعه از مفاد قواعد حقوقی و ضرورت اعلام جرم قبل از محاکمه متهم و سایر دلایل، سبب شد تا حرکتی به سمت قانونگذاری و تقنین آغاز شود.

مسئله تحقیق آن است که در بستر تحولات بین‌المللی و فرایند الزامات و قواعد و هنجارهای بین‌المللی تا چه حد از مستقلات عقلیه استفاده می‌شود. بر این اساس سؤالات پژوهش به‌صورت زیر تنظیم می‌شود:

### ۱.۱. سؤال اصلی

کیفیت استناد به منبع مشترکی که ترجمان اراده جمعی کشورهای مختلف جهان، در تنظیم روابط بین‌المللی باشد، چگونه است؟

### ۱.۲. سؤال فرعی

تا چه حد از مستقلات عقلیه به‌عنوان زبان مشترک نظام‌های مختلف حقوقی در تکوین قواعد بین‌المللی استفاده شده است؟

### ۱.۳. اهداف تحقیق

از آنجا که کشورهای اسلامی دارای منابع حقوقی مخصوص به خود هستند، با این تحقیق روشن خواهد شد که در میان این منابع برخی این ظرفیت را دارند تا مبنای شکل‌گیری قواعد جهان‌شمول حقوقی برای کشورهای مختلف قرار گیرند.

به علاوه تبیین بستر مناسب برای ایجاد الزامات حقوقی متناسب با مبانی فقهی و شرعی برای کشورهای مختلف از اهداف این پژوهش است.

#### ۴.۱. نوآوری تحقیق

مستقلات عقلیه و دلیل عقلی را می‌توان منبع مشترک حقوقی کشورها و مبنای تکوین قواعد حقوق بین‌الملل دانست. از این رو ضمن شناخت منابع صوری و منابع واقعی لازم است ارتباط این منابع با منبع خدادادی عقل به‌عنوان سنگ زیربنای تفکر بشری بررسی شود. شناخت این موضوع سبب خواهد شد تا از هموارسازی زمینه مقابله میان کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و همکاری و همبستگی برای ارتقای حقوق انسان صورت پذیرد. این همکاری و همبستگی بهترین فرصت برای رفع موانع و برخورد قاطع جهانی با عوامل برهم‌زننده صلح و امنیت بین‌المللی خواهد بود. در آن صورت ضرورت شناسایی و تضمین قواعد کیفری بین‌المللی و نیز محاکمه جنایتکاران جهانی بنا به حکم عقل از سوی همه نظام‌های حقوقی آشکار خواهد شد.

#### ۲. هنجارهای بنیادین

برخی حقوقدانان، عناصر سازنده تمدن بشری را علم، فرهنگ، هنر، حقوق و تکنولوژی دانسته‌اند (فلسفی، ۱۳۸۳: ۱۳). صرف نظر از مباحث تفصیلی در خصوص عناصر سازنده تمدن بشری، مسئله حائز اهمیت این است که از نظر حقوقدانان برجسته حقوق به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر سازنده تمدن بشری محسوب می‌شود. حقوق به مجموعه‌ای از قواعد و مقرراتی اطلاق می‌شود که تنظیم روابط اجتماعی را در پی دارد. این مجموعه قواعد و مقررات از کجا به دست می‌آیند؟ اخلاق و مذهب از جمله ریشه‌های عقلانی فاقد مشروعیت و اعتبار لازم است. بنیادهای فکری در ملل و نحل، مذاهب و ادیان متعدد در طول تاریخ بشر و دستورها و بایدها و نبایدهای ارزشی و اخلاقی از جمله مصادیق منابع واقعی حقوق شناخته می‌شوند. زیربنای همه قضایا و روابط رابطه علی و معلولی یا قانون علیت است. قانون علیت زیربنای هر نوع قضیه عقلی است و قدرت عقل اولین محور و

سنگ زیرین استدلال‌ها دانست (مطهری، ۱۳۷۳: ۷۳). فلسفه حقوق محل رشد و نمو و بررسی در خصوص منابع واقعی حقوق است. برخی مکاتب به‌ویژه مکتب تحقیقی (اصالت عقلی) که کلسن و برخی دیگر از اندیشمندان حقوقی آن را پی‌ریزی کرده‌اند (فلسفی، ۱۳۸۳: ۱۱)، تأکید محوری نسبت به دلیل عقلی دارد. در اسلام نیز پذیرش همه اصول و فروغ دین متوقف بر اصل اراده آزاد و اختیار انسانی در پذیرش آن دین مبین است. با وجود مستقلات عقلیه، محور تشکیل قواعد حقوقی، از عناصر مهم سازنده تمدن بشری خواهد بود.

### ۳. قواعد صوری

منابع صوری یا منابعی که امروزه در محاکم دادگستری، مراکز اسناد رسمی، مجالس قانونگذاری، وکالت دعاوی مورد استناد قرار می‌گیرند و حقوقدانان و فیلسوفان حقوقی در شرح و تفسیر مواد قانونی اقدام می‌کنند، بیان‌کننده منابع صوری حقوق‌اند. در نظام اسلامی هنوز اتکای به منابع واقعی حقوقی مطرح است. اما در نظام حقوقی ایران و سایر کشورهای اسلامی و نیز نظام‌های حقوقی معاصر به‌ویژه رومی - ژرمنی تکیه بر قانون است، در کنار قانون از عقل به‌عنوان منبع مستقل حقوقی دیگری یاد می‌شود. مهم آن است که در وضع قوانین، قانونگذاران از قدرت لایزال الهی (عقل) استفاده می‌کنند و با سایر ملاک‌ها چون شرع و وجدان بشری، گره می‌زنند.

در اهمیت عقل از نظر خداوند متعال همین بس که در آثار کافی، یک کتاب به نام *العقل و الجهل* اختصاص یافته است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۱). روایات متعددی در فضیلت عقل و حکم عقلی و قاعده عقلی بیان شده است. در زیر به چند مورد اشاره می‌شود:

در روایت محمدبن مسلم از امام صادق (ع): عقل، مورد استنطاق خداوند سبحان قرار گرفته، تا اینکه عقل وسیله عقاب و ثواب از سوی خداوند دانسته شده است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۱).

۱. انسان‌های پیرو باطل فکر می‌کنند دنبال عقل‌اند، درحالی‌که آن شیطن است و شبیه

عقل و عقل به معنای واقع نیست (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۲). نتیجه آنکه مدرکات عقل نظری و مستقلات عقلیه مورد تأیید خداوند است و میان انسان‌ها مبانی مشترک دارد.

۲. علی بن ابراهیم؛ اسناد از سکونی از امام صادق (ع) (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۴) نقل می‌کند پیامبر اسلام (ص) فرمودند: وقتی از فردی حُسن حالش به تو ابلاغ شد و رسید، ناتوانی حسن عقلا فانها یجازی بعقله: به‌خوبی عقلش بنگرید زیرا به میزان عقلش پاداش می‌یابد.

۳. در نظر پایبندی به مقررات و دستورهایی که عقل صادر می‌کند، انسان‌های کمی از بندگان شکرگزار الهی موفق‌اند؛ لذا تعبیری مثل «اکثرهم لایعقلون» دلیلی بر عدم حجیت مدرکات عقل نظری نیست، بلکه دلالت دارد به آنکه انسان‌ها در موارد زیاد حکم عقل را پیروی نمی‌کنند، نه آنکه این دسته از روایات و آیات بخواهد حجیت عقل را زیر سؤال ببرد (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۷).

۴. در روایت هشام از امام موسی بن جعفر (ع) حق برای اطاعت الهی منصوب شده و نجات و رستگاری در گرو اطاعت خداست و اطاعت با علم حاصل می‌شود و علم نیز با تعلیم و تعلم (یادگیری) به واسطه عقل صورت می‌پذیرد و علم جز از دانشمندان الهی به دست نمی‌آید و شناختن علم به واسطه عقل است: «نُصِبُ الْحَقُّ لِبَطَاعَةِ اللَّهِ، وَلَا نَجَاةَ إِلَّا بِالطَّاعَةِ، وَالطَّاعَةُ بِالْعِلْمِ، وَالْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ، وَالتَّعَلُّمُ بِالْعَقْلِ...» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۷). در این قسمت از روایت ارتباط مستقیم عقل با علم مورد تأکید است. در بحث ما یعنی ارتباط منابع حقوق بین‌الملل به عنوان یکی از مباحث اصلی روابط بین‌المللی با مستقلات عقلیه همین قسمت از روایت کفایت می‌کند، به‌ویژه آنکه تکوین قواعد حقوق بین‌الملل از قبیل معاهدات بین‌المللی، رویه قضایی و دکترین توسط حقوق‌دانانی صورت می‌گیرد که در بهره‌مندی از قواعد عقلی برای رفع نیاز (و جوامع) جامعه امروزی بین‌المللی با اندیشمندان اسلامی متفق‌القول‌اند. النهایه آنکه آنان به دنبال تضمین منافع این جهان و اینان رفع نیازهای مادی در طول پرورش استعدادهای معنوی اندیشه می‌کنند.

۵. «الْعَقْلُ غِطَاءٌ سَتِيرٌ وَالْفَضْلُ جَمَالٌ ظَاهِرٌ» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۳) در روایت سهل بن زیاد از حضرت امیرالمؤمنین (ع) به معنای آنکه: عقل پرده‌ای است پوشاننده محبت و فضل جمالی است هویدا، پس فضل را می‌توان روشی در زندگی مسالمت‌آمیز بین‌المللی و عقل را در تدبیر سیاست و تحکیم مبانی حقوق بین‌الملل برشمرد.

#### ۴. دلیل عقل و هنجارهای مکتوب

معاهده به معنای توافق مکتوب طرفین، در خصوص موضوع معین است. از معاهده گاه به قرارداد، کنوانسیون و میثاق نیز یاد می‌شود. تفاوت واژگان تأثیری در محتوای معاهده نمی‌گذارد. در کنوانسیون حقوق معاهدات بین‌المللی که در سال ۱۹۶۹ میلادی در وین اتریش منعقد شد و بسیاری از کشورهای جهان آن را به‌عنوان میثاق مشترک نحوه انجام تعهدات متقابل فی‌مابین خودشان آن را به رسمیت شناخته‌اند، به استفاده از عقل و مستقالات عقلیه به صورت غیرمستقیم توجه شده است. این موضوع از خلال بررسی مفاد و محتوای کنوانسیون حقوق معاهدات بین‌المللی در سال ۱۹۶۹ به طرق زیر مستفاد می‌شود:

#### ۵. اصل حاکمیت اراده بر مبنای دلیل عقلی

طبق این اصل نماینده یک کشور زمانی می‌تواند کشور متبوع خودش را ملزم به تکلیفی کند که از روی رضایت و اراده آزاد اقدام به اعلام نظر و موضع کند. بدیهی است هرگونه تهدید و اجبار که زایل‌کننده رضایت و آزادی اراده نماینده مذکور را به دنبال داشته باشد، معاهده را مخدوش می‌سازد و اعلام نظر مثبت به‌همراه تهدید و اجبار و هرگونه عوامل بیرونی زایل‌کننده رضایت و اراده دارای اثر حقوقی نخواهد بود (کنوانسیون ۱۹۶۹ مواد ۱۱ تا ۱۵). عقل سلیم این موضوع را تصدیق می‌کند.

#### ۶. حسن نیت و دلیل عقل

کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات بین‌المللی به شرایط روحی و روانی نمایندگان کشورها در انعقاد معاهدات بین‌المللی توجه داشته و از جمله شرایط عدم ارتشا

را ذکر کرده است، نماینده رسمی یک کشور در صحن کنفرانس بین‌المللی به‌منظور اعلام موضع کشور متبوعش آزادانه باید عمل کند و بدون هرگونه سوءنیتی در جلسات و مذاکرات شرکت جوید. اصل حسن نیت در حقوق اسلامی و منابع فقهی هم مورد پذیرش و تأکید قرار گرفته است. تا آنجا که حرمت ارتشای آن قدر مورد تأکید است که علاوه‌بر دانش ضمانت اجرای مادی، دارای ضمانت اجرای اخروی نیز است.

## ۷. کنش و واکنش عقل و عرف

عرف به معنای الزام مردم به فعل یا ترک فعلی است که به‌صورت مکرر و آگاهانه انجام می‌پذیرد. قاعده عرفی دارای عناصر مادی (فیزیکی) و معنوی (اعتقاد به الزامی بودن عمل) است. عرف در سطح حقوق داخلی کشورها با مرور زمان و به‌صورت بطئی و کند پدید می‌آید؛ اما در سطح بین‌المللی عرف به‌سرعت انجام می‌گیرد. توسعه ارتباطات، نیازهای مشترک و تبادل اطلاعات و اشتراک در منافع و نهضت جهانی شدن در عرصه‌های مختلف اقتصادی، حقوقی سبب شده است تا نمایندگان کشورها منافع کشور خویش را در نظر آورند و به‌هنگام طرح موضوعی در سطح بین‌المللی و با استفاده از کارشناسان، ابزار و آلات فنی و تکنولوژی موضوع‌گیری مناسب کنند.

برای بررسی ارتباط میان عرف و مستقلات عقلیه لازم است عرف، تحلیل محتوا شود. قاعده عرفی همان‌طور که گفته شد، از دو عنصر مادی و معنوی تشکیل شده است. عنصر مادی عرف، فعل یا ترک فعل آگاهانه و مستمر است و عنصر معنوی آن اعتقاد به الزامی بودن آن است. وقتی عرفی تشکیل و قاعده‌ای عرفی ایجاد می‌شود، پاسخی به نیازی اجتماعی صورت گرفته است. این پاسخ و واکنش اجتماعی قطعاً دارای مقبولیت عمومی است. خردمندان جامعه و اهل خرد، گاهی به محتوای قاعده عرفی خرده می‌گیرند، اما معمولاً مسیر رفته توسط عموم را تأیید می‌کنند؛ چراکه خود با آنان زندگی می‌کنند. در بسیاری از موارد عقل نیز مفاد قاعده عرفی را تأیید می‌کند؛ آن زمان که مفاد قاعده عرفی در تعارض با قاعده عقلی نباشد، امکان استناد به آن از قلمرو جغرافیایی مرزهای یک کشور توسعه می‌یابد و سایر کشورها نیز به‌دلیل هماهنگی آن قاعده با مبانی عقلی به آن تن



می‌دهند. در صورتی که میان این قاعده عرفی مورد تأیید مبانی عقلی گره مستحکمی زده شود، عملاً مستقلات عقلیه پایه همکاری و ارتباط میان جوامع مختلف را در زمینه محتوای قاعده عقلی که الزام یا ترک الزامی بین‌المللی است، فراهم ساخته است.

در جوامع متدین به دلیل مشروعیت قاعده «کلُّ ما حکمَ به الشرع حکم به العقل» (مظفر، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۰۸) می‌تواند قاعده عرفی مورد تأیید عقل، مورد استناد قرار گیرد. در این صورت کارکرد قاعده عرفی که اصولاً در جوامع دینی و مباحث فقهی به‌عنوان تعیین مصادیق به‌کار می‌رود، موضوعیت پیدا کرده است، اما نه از آن جهت که قاعده‌ای عرفی است، بلکه از آن جهت که یکی از مستقلات عقلیه و در چارچوب منبع فقهی عقل قرار گرفته است.

#### ۸. از دلیل عقل تا قواعد کلی حقوقی

اصول کلی حقوقی به اصولی اطلاق می‌شود که در زمان دسترسی نداشتن به دو منبع اصیل حقوق بین‌الملل یعنی معاهده بین‌المللی و عرف بین‌الملل، قاضی در رسیدگی قضایی به پرونده‌ای بین‌المللی استناد می‌کند؛ مانند اصل حسن نیت، اصل دفاع مشروع، اصل استقلال و برابری کشورها، اصل لزوم جبران خسارات وارده به متضرر و اصل وفای به عهد. کاربرد این اصول در شاخه‌های مختلف حقوقی متفاوت است. برخی از این اصول به‌صورت فراگیر و کلی در همه شاخه‌های حقوقی اعم از داخلی و بین‌المللی و نیز جزایی، خصوصی (مدنی)، عمومی و بین‌المللی به‌کار می‌روند، مانند اصل لزوم جبران خسارت وارده به متضرر که در همه حوزه‌های حقوقی قابلیت استناد دارد. اما برخی دیگر از این اصول فقط در حوزه حقوق بین‌الملل کاربرد دارند، مانند اصل استقلال و برابری دولت‌ها و اصل احترام متقابل دولت‌ها، اصل مراجعه مقدماتی به محاکم داخلی قبل از مراجعه به محاکم بین‌المللی، اصل پاکدستی مدعی، اصل لزوم آزادی اراده و حاکمیت اراده در تنظیم معاهدات بین‌المللی و اصل لزوم وفای به عهد در قبال تعهدات بین‌المللی.

نحوه استفاده از این اصول وابسته به نوع نگرش حقوقی و مکتب حقوقی است. مکتب

حقوق فطری (طبیعیون) و نیز مکتب اصالت فرد (حقوق فردی) و نیز مکتب حقوق اجتماعی (قرارداد اجتماعی) که اندیشمندان حقوقی قائل شده‌اند، در نحوه پیدایش این اصول و نحوه استفاده از آنها را متمایز می‌سازند. عقل در پیدایش و تکوین این اصول (صرف نظر از مکتب حقوقی پذیرفته شده) ایفای نقش می‌کند. قضایای مستقلات عقلیه زیربنای پیدایش این اصول است؛ مثلاً وقتی از لزوم جبران خسارات وارده به اشخاص سخن می‌گوییم، این حکم در اصل حکم عقلی لزوم جبران خسارت است یا اصل وفای به عهد که در شرع نیز بر آن تأکید شده است. قبل از آن عقل و سیره عقلا در میان ملل و جوامع مختلف بر آن تأکید دارد. پس مستقلات عقلیه، شالوده و زیربنای مبنای حقوقی و فلسفه پیدایش اصول کلی حقوقی است و به این تفسیر مبنای تقنین و نحوه تکوین اصول کلی حقوقی در نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی، کامن‌لا، اسلامی و غیره مشترک و متحدانه. پس می‌توان نتیجه گرفت که مستقلات عقلیه شالوده اصول کلی حقوقی محسوب می‌شود و ملاک مشروعیت عقلی اصول کلی انطباق مفاد آن با ضرورت‌های اجتماعی، دین اخلاق و مذهب است.

## ۹. رویه قضایی بین‌المللی در ترازوی عقل

حقوقدانان رویه قضایی را به معنای ایجاد رویه واحد در قضایا و پرونده‌های مشابهی می‌دانند که به دلیل ابهام در قوانین، قضات ممکن است برداشت‌های متفاوتی از متون حقوقی و مواد قانونی داشته باشند؛ بدیهی است این ایجاد وحدت رویه که به منظور تحقق عدالت صورت می‌پذیرد، از سوی برخی مراجع رسمی نظیر هیأت عمومی دیوان عالی کشور اعلام می‌شود. رویه قضایی به دو معنی به کار می‌رود. رویه قضایی به معنای عام عبارت است از مجموعه سازوکارهای قضایی درون یک نظام حقوقی که آن نظام را از سایر نظام‌های حقوقی در نظام حقوقی متمایز می‌سازد. اما رویه قضایی به معنای خاص، همان حل اختلاف میان شعبات مختلف دادگاه‌ها در دعاوی است که موضوع آن یکی است.

اما رویه قضایی بین‌المللی که مراجع قضایی بین‌المللی اتخاذ می‌کنند، اعم از رویه

قضایی در حقوق داخلی است. رویه قضایی بین‌المللی اعم از نحوه تفسیر، انشای احکام، توجه به سیاق متن و اوضاع و احوال اجتماعی جامعه بین‌المللی، ضرورت‌ها و اقتضائات فرهنگی علمی و بین‌المللی جوامع مختلف و نحوه اجرای عدالت است. هرچند عرف و معاهده و سایر منابع حقوق بین‌الملل در ایجاد رویه‌های قضایی بین‌المللی مؤثرند، اما مهم‌تر از همه مباحث، این نکته حائز اهمیت فراوان است که عقل و قدرت استدراک مباحث و پذیرش دلایل عقلی پشتوانه و بررسی مفاد عرف و معاهده و منابع حقوقی محسوب می‌شود. عرف در معنای جامعه‌شناسی همان آداب و سنن اجتماعی است، اما زمانی معنای حقوقی به خود می‌گیرد که فعل و ترک فعل آگاهانه، همراه با اعتقاد به الزام به بودن آن از نظر سیره عقل و عقلا تأیید می‌شود. هکذا معاهده و سایر منابع حقوقی از جمله رویه قضایی با اتکا به دلایل عقلی است که از سوی مراجع قضایی به‌عنوان دلیل ارائه می‌شود. مذهب و دین نقش مستقیمی در تکوین قاعده عرفی حقوقی و نیز معاهده و رویه قضایی بین‌المللی دارد. رویه قضایی بین‌المللی، بستری جهت ارائه دکترین حقوقدانان متکی به بنای عقلی است که از سوی شارع و متشرعان مورد تأکید قرار گرفته است؛ چراکه در پرونده‌ها و موضوعات بین‌المللی دغدغه‌ها، اهداف، اصول و روش‌های مطالبه همه جوامع بشری در پیگیری مفاد قاعده عقلی مسیر مشترکی را طی کرده‌اند و اولین نویسندگان حقوق بین‌الملل نوین نیز مانند هوگو گروس و سیوس هلندی به مباحث منظم روابط بین‌المللی با معنایی مذهبی نگریسته‌اند. این نظر و نگرش، محور مشترک مطالعات نوین عقلی و شرعی در روابط بین‌المللی و حقوق مخاصمات مسلحانه است.

#### ۱۰. اندیشه‌های حقوقی و فتاوی معتبر؛ همانندی و تفاوت

قبل از مطالعه رابطه دکترین با مستقلات عقلیه و مذهب و دین، ابتدا لازم است معنای صحیحی از دکترین ارائه دهیم. منظور از دکترین، دکترین یا نظریه‌های علمی حقوقدانان است. دکترین در این اصطلاح به معنای ترجیح و برتری یک فرضیه قانونی از میان فروض مختلف قانونی است، به استناد دلایل و قرائن و امارات و ادله‌ای که پشتوانه آنها عقل و مدرکات عقل نظری است. پس عقل زیربنای تشخیص و تمییز یک فرض از میان فروض

مختلف حقوقی است (فلسفی، ۱۳۸۳: ۵۵). آنگاه که مشکلی پدید می‌آید و قانونگذار برای برون‌رفت از آن مشکل، راه و چاره‌ای معین را پیش‌بینی نکرده است، برای رفع حیرت و تردید و شک قاضی از آنجا که هرچه در متون قانونی می‌گردد و حکم دعوا را پیدا نمی‌کند، از این روی برخی نظام‌های حقوقی به‌ویژه نظام حقوقی کامن‌لا و رومی - ژرمنی، بر دکتترین تکیه دارند، زیرا نظریه علمی دانشمندان حقوقی جایگزینی مناسب برای رفع خلأ و نقصان در قانونگذاری شناخته شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۸۳).

در اندیشه حقوقی اسلام، فقها نظریات علمی متعددی را در ابواب مختلف فقهی از جمله حدود، قصاص و دیات (مباحث کیفری فقه اسلامی) ارائه داده‌اند. تفاوت عمده مطالعه فقهی و مطالعه حقوقی میان فقها و حقوقدانان در این است که فقها تأکید بسیاری بر ضرورت انطباق اجتهاد با نص قرآن کریم و استفاده از موضوعات شرعی دارند. هرچند حقوقدانان مسلمان نیز این ضرورت انطباق مورد توجه قرار داده‌اند. اما حقوقدانان غیرمسلمان در ارائه نظریات علمی، با استفاده از مفاد قاعده عقلی و استفاده از «عقل» به‌عنوان منبع درک حقایق که به‌صورت فطری از سرچشمه جوشان الهی بهره برده‌اند، با حقوقدانان مسلمان و فقهای اسلامی مسیر مشترکی را طی کرده‌اند. برای مثال آنچه امروزه در حوزه مباحث حقوق هسته‌ای و انتظارات به حقی که کشورها از آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای دارند، در این چارچوب تفسیر می‌شود. مضافاً اینکه بسیاری از قواعد و مقررات مذکور در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در مورد رعایت حقوق بشر در زمان جنگ در همین چارچوب قرار می‌گیرند (سیاه‌رستمی، ۱۳۸۳: ۱۴۳).

## ۱۱. عقل و رهسپاری به عدالت

عدالت (Equity) با دادگستری (justice) در مفهوم حقوقی متفاوت است. عدالت را به دو معنای موضوعه و توزیعی تقسیم کرده‌اند. عدالت موضوعه به اجرای مقررات فعلی حقوقی تفسیر شده است (صفایی، ۱۳۸۳: ۱۲۶) و عدالت توزیعی را همان عدالت فلسفی یا آرمانی نامیده‌اند. آنان متأثر از سکولاریسم و خلاصه کردن آموزه‌های دینی در عبارات فردی و جداسازی نیازهای اجتماعی و حکومتی از مبانی دینی، عدالت موردنظر در مبانی دینی را در

حوزه حقوق عمومی بدون تأثیر خوانده‌اند؛ ما معتقدیم که دین مبین اسلام عدالت به معنای فلسفی یا آرمانی در همه شئون فردی و اجتماعی ساری و جاری است (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۲۴). عدالت مذکور در اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری ICJ از منابع فرعی حقوق بین‌الملل دانسته شده است. بنابر نظریات تفسیری دیوان و آنچه در رویه قضایی بین‌المللی مطرح شده است، عدالت به عنوان روشی که طرفین اصحاب دعوا در صورت نیاز به آن استناد می‌کنند و قضات را مکلف می‌سازند تا طبق آن اختلافات فی‌مابین آنان را حل و فصل کنند، بیان شده است.

اکنون ذکر این نکته حائز اهمیت است که عدالت در مفهوم دینی و در مطالعات مبانی اسلامی برخاسته از اصالت‌ها و بایدها و نبایدهای شرعی است و به معنای اعطای کل ذی‌حقی حقه، یعنی به مقدار حق هر کس حقتش داده شود، آمده است. در حالی که در فرهنگ عمومی روابط بین‌المللی به معنای اجرای مقررات برخاسته از وجدان جمعی و توافقات مشترک میان جوامع است. اگر این توافقات مشترک میان ملل بر پایه استدلال‌ها و مدرکات عقل نظری قرار گیرد، می‌تواند سنگ زیربنایی باشد تا کشورهای اسلامی را هم در مسیر هدف مشترکشان همراه سازد.

اگر مستقلات عقلیه به معنای قبح ظلم و حسن عدل در نظر گرفته شود، در آن صورت همه عقلای عالم هرگونه ظلمی را قبیح می‌دانند و عدالت را نیکو می‌شمرند. این اصل کلی عقلی می‌تواند پایه بسیاری از توافقات معاهدات، عرف‌ها، اصول کلی، دکترین و سایر منابع موضوعه و غیرموضوعه حقوق بین‌الملل قرار گیرد. پس یکی دیگر از فواید توجه به استدلال‌های عقلی دفاع جامع و جهانی از مبانی تحقق عدالت است. این مسیر، جامعه جهانی را از هم گسیختگی به نظم نوینی رهنمون می‌سازد که ریشه در فرهنگ برتری و تقدم منافع مستضعفان بر مستکبران دارد. «وَتَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵).

## ۱۲. همبستگی بین‌المللی

پس از بررسی منابع حقوق بین‌الملل، در این قسمت به هدف ایجاد منابع حقوق بین‌الملل

که همانا حفظ نظم و آرامش و زندگی توأم با صلح و امنیت بین‌المللی است، می‌پردازیم. روشن است که مبانی دینی مروج صلح‌اند و موضوع جنگ استثناست و در سنت و سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) نیز جنگ در زمانی اتفاق می‌افتاده است که موانعی در مسیر تحقق اسلام و دستورهای آن وجود داشته و دشمنان دین مبین اسلام اقدام به طرح‌ریزی و اقدام مسلحانه علیه مسلمین می‌کرده‌اند؛ لذا در قرآن کریم فتنه، به‌عنوان دلیل ورود به جنگ مطرح شده است. «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» ( انفال: ۳۹). اما اصل بر آن است که پیامبر و مؤمنان در مقابل یکدیگر دوست و مهربان و در مقابل دشمنان محکم و استوار باشند. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». (فتح: ۲۹).

بررسی دو دسته آیات قتال در قرآن کریم به این نتیجه ختم می‌شود که اصل اولیه در روابط میان مسلمانان و غیرمسلمانان صلح است.

از نظر روابط بین‌الملل نیز در زمان جامعه ملل، اصل منع توسل به زور در اساسنامه جامعه یعنی میثاق جامعه ملل پیش‌بینی نشده بود، اما در اساسنامه سازمان ملل متحد اصل منع توسل به زور به‌عنوان تکلیفی معاهداتی برای کشورهای عضو و تکلیفی عام برای همه کشورها حتی غیر عضو سازمان وجود دارد. البته طبق ماده ۵۲ منشور ملل متحد، مقررات منشور به حقوق ذاتی اعضای سازمان (براساس دلیل عقلی) به حق ذاتی کشورها در دفاع مشروع از خودشان خللی وارد نساخته است.

### ۱۳. نهادهای روابط بین‌الملل

در سده‌های گذشته روابط بین‌المللی ابتدا به‌صورت روابط میان دولت - شهرهای یونان باستان وجود داشت، سپس بعد از تولد حضرت مسیح (ع) و در قرون وسطی معاهدات متعددی در روابط میان کشورها ایجاد شد و با طلوع فجر اسلام این روابط براساس دستورهای الهی شکل منسجم و منظمی به خود گرفت. نقش اسلام در توسعه و تحول حقوق بین‌الملل در این زمینه قابل مطالعه است.

مبنای ایجاد هرگونه رابطه در صحنه بین‌المللی احترام متقابل، حفظ استقلال و برابری کشورها خوانده شده است.

این استقلال می‌تواند پایه اصلی روابط بین‌المللی را ایجاد کند. روابط متقابل، ثمره و نتیجه به رسمیت شناختن استقلال در ابعاد مختلف آن است. امروزه در ظاهر بسیاری از کشورها مدعی استقلال هستند، هرچند از نظر حاکمیت سرزمینی مستقل شناخته می‌شوند، اما از نظر سیاسی، کشورهای وابسته به قدرت‌های استعماری خوانده می‌شوند، استعمار و استثمار در فرهنگ قرآنی و دینی اسلام به شدت مذمت شده است. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱). همبستگی کشورها در سازمان‌های بین‌المللی عام و منطقه‌ای، دولتی و غیردولتی بیش از گذشته حول محور مشترکات و منافع عام جامعه بین‌المللی صورت می‌گیرد، سنگ زیرین این روابط استدلال عقلی است، چراکه اقوام و ملل مختلف و انسان‌ها با فرهنگ‌های متفاوت، در تمایز با سایر مخلوقات در قدرت عقلی برجسته شده‌اند.

#### ۱۴. فعالیت‌های صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای

یکی از سازمان‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای است. در پی دسترسی برخی کشورهای استعمارگر به سلاح‌های کشتار جمعی، ابتدا دغدغه معاهده منع تولید و گسترش سلاح هسته‌ای میان بسیاری از کشورها امضا شد و سپس از طریق آژانس، مقرر شد آژانس نسبت به عدم تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای نظارت فنی به عمل آورد. در عین حال کشورها حق دارند از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای برای مصارف پزشکی، کشاورزی، بهداشتی و ... استفاده کنند و آژانس کشورهای عضو متعهد به عدم ساخت سلاح هسته‌ای را در این مسیر یاری خواهد داد. آنچه در عمل در سال‌های اخیر به ویژه در خصوص پرونده هسته‌ای کشور جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاده، کشمکش میان منافع کشورهای استعماری با کشورهای مستضعف و در حال توسعه است. بسیاری از کشورهای عضو آژانس که مسیر ایران را در چارچوب حفظ منافع فعلی و آینده

خود می‌دانند، در همهٔ زمان‌ها از حقوق هسته‌ای ایران دفاع کرده‌اند. این موضوع تجلی همبستگی بین‌المللی با محوریت کشورهای در حال توسعه و بسیاری از کشورهای اسلامی رقم خورده است که از نظر دلیل عقلی و نیز عرف بین‌المللی حائز اهمیت فراوان است.

#### ۱۴.۱. صلح و امنیت

همبستگی میان کشورهای در حال توسعه و نیز فعالیت‌های منطقه‌ای امروزه سبب شده است که بسیاری از کشورهای قدرتمند و صنعتی در قبال کشورهای در حال توسعه احساس ضعف کرده و واقعیت‌های ایجادشده در گوشه و کنار جهان به‌ویژه وقایع کشورهای عربی در منطقهٔ خاورمیانه را با چشمی باز تماشا کنند. سازمان ملل به‌عنوان نهادی که داعیهٔ حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را دارد و اساسنامهٔ سازمان، شورای امنیت را موظف و متعهد ساخته است تا در مسیر تحقق هدف اصلی سازمان گام بردارد، اما عملاً از انجام این تکلیف به‌نحو شایسته باز مانده است. لزوم توجه به تجدیدنظر ساختار سازمان ملل متحد بر مبنای مستقالات عقلیه و متکی بر باورها و فرهنگ‌های مشترک جوامع مختلف امری اجتناب‌ناپذیر است.

#### ۱۵. نتیجه‌گیری

- منابع حقوق بین‌الملل مذکور در اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری از عقل به‌عنوان منبع یاد نکرده است.

- در فقه اسلامی عقل مهم‌ترین منبع حقوقی محسوب می‌شود.
- فقدان دلیل عقل در فرایند هنجارسازی بین‌المللی زمینه را برای تحقق برتری زور و قدرت بر عدالت و صلح فراهم ساخته است.
- از نکات مهم و قابل تجدیدنظر در منشور ملل متحد، آوردن مستقالات عقلیه در کنار سایر منابع حقوق بین‌الملل است.

- لزوم بازخوانی معاهدات بین‌المللی، عرف بین‌المللی و اصول کلی حقوقی براساس مستقالات عقلیه به‌عنوان هنجارهای مشترک و اصیل نظام‌های مختلف حقوقی، سبب



استحکام و استمرار صلح و امنیت بین‌المللی در جهان خواهد شد.

- لازم است در دیپلماسی کشورهای اسلامی نسبت به برتری و اعلام دلیل عقل بر سایر کنشگران صحنه روابط بین‌الملل تأکید شود تا زمینه و بستر لازم به‌منظور تحقق آرمان‌های الهی در بسترهای حقوقی فراهم‌تر شود.

- مستقلات عقلیه ابتدا در حوزه اصول فقه کاربرد اجتهادی داشت، اما امروزه این مهم باید در عرصه روابط بین‌الملل پایه اصلی و قاعده مستحکم تکوین قواعد حقوق بین‌الملل معاصر محسوب شود.

- در کشورهای اسلامی، حقوق‌دانان مسلمان از این قاعده مهم در جهت حفظ و استمرار حقوق مشترکشان می‌توانند در عرصه‌های مختلف مانند تکوین قواعد عرفی، انعقاد معاهدات بین‌المللی، اصول کلی حقوقی، دکترین و اجرایی شدن قاعده انصاف بهره‌گیرند.



## کتابنامه

۱. ابن اثیر جزری، مجدالدین محمد (بی تا). *النهاية في غريب الحديث والأثر*، قم: المكتبة الاسلاميه.
۲. ابن کثیر دمشقی، ابوالفدا (۱۴۰۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*، بی جا: دارالفکر.
۳. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۵ق). *لسان العرب*، قم: ادب الحوره.
۴. اردبیلی، مولی احمد (۱۳۷۸). *زیده البیان فی براهین احکام القرآن*، قم: انتشارات مومنین.
۵. اسکافی، ابن جنید ابوعلی (بی تا). *فقیه*، ج ۴، بی جا.
۶. افتخاری، علی (۱۳۸۹). *تعارض قوانین و طلاق*، زیر نظر علیرضا ابراهیمی، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۷. انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۷۲). *فرايد الاصول، الرسائل*، بی جا: مؤسسه النشر الاسلامی.
۸. بجنوردی، سید محمدحسن (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقهیه*، چ اول، قم: الهادی.
۹. بی نا (۱۳۸۲). *منشور ملل متحد، چ سوم*، تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل.
۱۰. تبریزی، جواد (۱۳۸۴). *تنقیح مبانی الاحکام القضاء و الشهاده*، بی جا: دار الصدیقه الشهیده.
۱۱. جبعی عاملی، زین الدین (۱۴۰۵ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه*، بی جا: چاپ مرعشی نجفی.
۱۲. حرعاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، چ اول، قم: مؤسسه آل البیت (ع).
۱۳. حرعاملی، شیخ محمدبن حسن (بی تا). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۱۴. خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸). *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه نشر آثار امام.
۱۵. ----- (۱۳۶۶). *تحریر الوسیله*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۶. خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). البیان فی تفسیر القرآن، بی جا.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق). مفردات الفاظ القرآن، چ اول، بی جا: دفتر نشر الكتاب.
۱۸. زمخشری، جارالله محمدبن عمر (۱۴۱۳ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقویل فی وجوه التأویل، چ اول، قم: نشر البلاغه.
۱۹. سیدقطب، ابراهیم (۱۴۱۵ق). فی ظلال القرآن، ج ۱، چ بیست و چهارم، بی جا: دارالشروق.
۲۰. صابری یزدی، علیرضا (۱۳۶۱). الحکم الزاهره عن النبی (ص) و عترته الطاهره، بی جا: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۱. صدوق، ابی جعفر (۱۳۹۰). من لا یحضر الفقیه، ج ۴، بی جا: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. صفایی، سید حسین (۱۳۷۴). درآمدی بر دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، تهران، دادگستر
۲۳. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۲). اسلام و حقوق بین الملل، تهران، گنج دانش.
۲۴. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۲ق). المیزان فی تفسیر القرآن، بی جا: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. طبرسی، محمدبن جریر (۱۴۲۱ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ اول، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۲۶. طوسی، ابی جعفر محمدبن حسن (۱۳۹۰). الاستبصار، ج ۳، بی جا: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. فلسفی، هدایت الله (۱۳۹۱). صلح جاویدان و حاکمیت قانون، تهران: نشر نو.
۲۸. ----- (۱۳۸۳). حقوق بین الملل معاهدات، تهران: نشر نو.
۲۹. فیض کاشانی، محسن (۱۴۰۱ق). تفسیر الصافی، چ دوم، تهران، مکتبه الصدر.
۳۰. قرطبی، محمدبن احمد (۱۴۰۵ق). الجامع لأحكام القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۱. کاتوزیان ناصر (۱۳۶۳). مقدمه علم حقوق، تهران: بهمن.

۳۲. کلینی، ثقه الاسلام ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). *الفروع الکافی*، ج ۷، بی جا: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. لبیب احمد بسول (۱۳۸۹). *معاهدات بین المللی در اسلام*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳۴. الماسی، نجاد علی (۱۳۷۲). *تعارض قوانین*، تهران: نشر دانشگاهی.
۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). *عدل الهی*، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۶. مظفر، محمدرضا (۱۳۹۵). *اصول الفقه*، ج ۲، چ پنجم، بی جا: انتشارات دارالفکر.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳). *القواعد الفقهیه*، قم: مدرسه امام علی (ع).
۳۸. میرعباسی، سید باقر (۱۳۷۵). *حقوق بین الملل عمومی*، تهران: دادگستر.
۳۹. نبطی جزینی، شمس الدین محمد بن مکی (۱۴۰۵ق). *اللمعه الدمشقیه*، قم: چاپ مرعشی نجفی.
۴۰. نجفی، محمدحسن (۱۴۱۳ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، کتاب الجهاد، ج ۲۱، بی جا: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. نصیری، محمد (۱۳۷۳). *حقوق بین الملل خصوصی*، تهران: آگاه.
42. A.A.Concanado Trindadae.co-existence and coordination of Mecdnaisms protection of human rights Rqdj,1987.110701202.
43. Simma B.international Law collected courses od the ttugae Acudamy of international Law 1994.v/volo250

## References

1. Albib Ahmad Rasool (2010). *International Treaties in Islam*, Tehran: Imam Sadegh (PBUH) University. (In Persian)
2. Almasi, Najad Ali (1993). *Conflict of Laws*, Tehran: University Press. (In Persian)
3. Ansari, Sheikh Morteza (1372). *Faridal Al-Usul, Al-Rasa'il, BJ*, Islamic Publishing Institution. (In Arabic)
4. Ardebili, Molly Ahmed (1999). *Statement strengthening in proofs of the rulings of the Qur'an*, Qom: Mo'menoon Publication (In Arabic)
5. Bina (2003). *Charter of the United Nations*, Tehran, United Nations Information Center, Third Edition. (In Persian)
6. Bjnurdi, Sayed Muhammad (Hassan (1419 Hijri). *Jurisprudence rules*, Qom: publication of Al-Hadi, first Edition. (In Arabic)

7. Eftekhari, Ali (2010). *Conflict of Laws and Divorce*, under the supervision of Alireza Ebrahimi, Qom: Al-Mustafa International University. (In Persian)
8. Falsafi, Hedayatullah (2004). *International Law of Treaties*, Tehran: Farhang Nashr Nu. (In Persian)
9. Falsafi, Hedayatullah (2012). *Eternal Peace and Ruling the Law*, Tehran: Farhang Nashr Nu (In Persian)
10. Feiz Kashani, Mohsen (1401 Hijri). *Tafsir Al-Safi*, Tehran: Maktab Al-Sadr, Second Edition (In Arabic)
11. Ibn Kathir Damascus, Abu al-Feda (1409 Hijri). *Interpretation of the great Qur'an*, Bi Ja: Dar Al Fikr. (In Arabic)
12. Ibn Kathir Jazari, Majd al-Din Muhammad (Bita). *Nihayah fi Gharib al-Hadith wa-al-Athar*, Qom: the Islamic School. (In Arabic)
13. Ibn Mandur, Muhammad Ibn Makram (1405 Hijri). *Lisan Al Arab*, Qom: Islamic Seminary's Publication of Religious Literature (In Arabic)
14. Iskafi, Ibn Junaid Abu Ali (Bi Ta). *Islamic Jurist*, Vol. 4, Bi Ja. (In Arabic)
15. Jabi Ameli, Zein Al-Din (1405 Hijri). *Al-Rawdah Al-Bahiya Fi Sharh Al-Ma'a Al-Damashqiyeh*, Bi Ja, Publication of Marashi Najafi. (In Arabic)
16. Katozian Nasser (1985). *Introduction to the Science of Law*, Tehran: Bahman (In Persian)
17. Khomeini, Seyed Rouhollah (1987). *Tahrir al-Wasila*, Qom: Association of Teachers of Qom Islamic Seminary. (In Arabic)
18. Khomeini, Seyyed Ruhollah (1989). *Velayat-e Faqih*, Tehran: Imam Works Publication Institute. (In Persian)
19. Khoyi, Seyed Abul Qasim (Bi Ta). *Al-Bayan fi Tafsir Al-Qur'an*, Bi Ja. (In Arabic)
20. Klenny Al-Islam Abi Jaafar Muhammad Ibn Ya'qub (1989). *Al-Furu' Al-Kafi*, Vol. 7, Bi Ja: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. (In Arabic)
21. Makarem Shirazi, Nasser. (2004), *Al-Qavaed Al-Fiqih*, Qom: teacher, Imam Ali (PBUH) School. (In Arabic)
22. Mir Abbasi, Seyed Baqir (1995). *Public International Law*, Tehran: Dad Gostar (In Persian)
23. Motahari, Morteza (1983). *Divine Justice*, Tehran: Islamic Publication Department. (In Persian)
24. Muzaffar, Muhammad Reza (2016). *Usul al-Fiqh*, Vol. 2, Bi Ja: Publication of Dar al-Fikr, Fifth Edition. (In Arabic)
25. Nabati Jezzine, Shamsaldin Muhammad Ibn Maki (1405 Hijri). *Al-Ma'a Damishqiyeh*, Qom: Publication of Marashi Najafi. (In Arabic)
26. Najafi, Muhammad Hasan (1413 Hijri). *Jawaher Al-Kalam Fi Sharh Sharye Al-Islam*, Kitab Al-Jihad, Vol. 21, Bi Ja: Dar Al-Kotob Al-Islamiyyah. (In Arabic).
27. Nasiri, Muhammad (1995). *Private International Law*, Tehran: Agah (In Persian).
28. Qurtubi, Muhammad Ibn Ahmad (1405 Hijri). *Al-Jami Al-Ahkam Al-Qur'an*, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Terat Al-Arabi. (In Arabic)
29. Raghیب Isfahani, Hussein Ibn Muhammad (1404 Hijri). *Mufradat Alfaz Al-*

- Qur'an*, Bi Ja: Publication of Al-Kitab Department, First Edition. (In Arabic)
30. Sabir Yazdi, Ali Reza (1983). *Al-Hakam Al-Zahrah An Al-Nabi Va Itrat Al-Tahereh*, Part 1, Bi Ja: Institution of Nashr Al-Islami. (In Arabic)
31. Saduq, Abi Ja`far (2011). *Men La Yahzer Al-Faqih*, Vol. 4, Bi Ja: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. (In Arabic)
32. Safaei, Seyed Hossein (1996). *An Introduction to Two Great Contemporary Legal Systems*, Tehran: Dad Gostar (In Persian)
33. Sayed Qutb, Ibrahim (1415 Hijri). *Fi Zalal Al-Qur'an*, Vol.1, Bi Ja: Dar Al-Shorouq, Issue 24 (In Arabic)
34. Sheikh Hor al-Amili Muhammad bin Hassan (1409 Hijri). *Wasail Al-Shiah*, Qom: The Institution of Al-Ol-Bayt, (PBUH), First Edition. (In Arabic)
35. Sheikh Hor Al-Amili Muhammad Ibn Hassan (Bi Ta). *Wasail Al-Shiah El-al Tahsil Masael Al-Sharia*, Dar Al-Ahya Al-Terat Al-Arabi, Beirut. (In Arabic)
36. Tabatabaei, Muhammad Hussein (1412 Hijri). *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Qur'an*, Bi Ja: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. (In Arabic)
37. Tabrisi, Muhammad Ibn Jirir (1421 Hijri). *Majma' Al-Bayan Fi Tafsir Al-Qur'an*, Vol. 1, Beirut: Dar Al-Ahya Terat Al-Arabi (In Arabic)
38. Tabrizi, Jawad (2005). *Revision of foundations of judgement rulings and affirmation*, Bi Ja: Dar Al-Sediqeh Shahideh. (In Arabic)
39. Tosi, Abu Ja`far Muhammad Ibn Hassan (2011). *Al-Intisar*, Vol. 3, Bi Ja: Dar Al-Kotob Al-Islamiyyah. (In Arabic)
40. Zamakhshari, Jarallah Muhammad Ibn Umar (1413 Hijri). *Discovering the facts of the mysteries of the revelation and the eyes of the aspects of interpretation*, Qom: Publication of Al-Balaaq, first Edition. (In Arabic)
41. Ziaei Bigdeli, Mohammad Reza (1994). *Islam and International Law*, Tehran: Ganj Danesh (In Persian)